

نقش حکومت‌های شیعی در گسترش تمدن اسلامی

مهران صیادی^۱، محمدرضا شعبانی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی تربیت دبیر زبان انگلیسی، پردیس شهید مدرس کردستان، دانشگاه فرهنگیان، کردستان، ایران

^۲ دانشجوی کارشناسی تربیت دبیر زبان انگلیسی، پردیس شهید مدرس کردستان، دانشگاه فرهنگیان، کردستان، ایران

چکیده

سرگذشت انسان‌ها از معبر تمدن‌ها می‌گذرد و تمدن‌ها در طول تاریخ در شکل‌دهی به هویت بشر گسترده‌ترین نقش را داشته‌اند. دین اسلام پس از استقرار به سرعت توانست بنیان‌گذار تمدنی شگرف در جهان شود به گونه‌ای که تمدن‌های دیگر از جمله تمدن‌های غربی را وام‌دار خود سازد. بررسی فعالیت‌ها و اقدامات دولت‌ها و حکومت‌ها در گسترش یک دین یا مذهب و یا ایجاد و گسترش فرهنگ و تمدن اهمیت زیادی دارد. از جمله حکومت‌های شیعی در طول تاریخ حکومت سربداران و مزیدیان بودند که نقش مهمی در شکوفایی تمدن اسلامی داشتند. در این مقاله به تفصیل درباره این دو به بحث می‌پردازیم. با ظهور انقلاب اسلامی مبتنی بر اسلام و شکل‌گیری حکومت دینی برآمده از مردم، گفتمان تمدن ایرانی و اسلامی در قالب تمدن نوین برخاسته و آمیخته از این دو تمدن احیا شد و ایران اسلامی در عمل به احیاگر فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی تبدیل گردید.

واژه‌های کلیدی: تمدن ایرانی- اسلامی، سربداران، مزیدیان، گسترش تمدن، دولت شیعی، علم محوری.

مقدمه

تمدن در علوم اجتماعی واژه‌ای پرابهام است. این واژه همواره در تحلیل‌های تاریخی و اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد، بدون آن‌که در باب تبیین معانی‌اش بحثی مجزا و کامل صورت گرفته باشد. تمدن پدیده‌ای درهم تنیده از همه رویدادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، هنری و ادبی است که در طول تاریخ یک مجموعه انسانی رخ می‌دهد. این ذهنیت کلی، اجتماعی را برای یک مجموعه انسانی می‌سازد که هم به خوبی می‌توان آن را از تجربیات تاریخی انسانی جدا کرد و هم می‌توان سایه سنگین آن را روی هر تحولی در این جامعه انسانی باز یافت. از این حیث که تمدن دارای هویتی فراتاریخی است و می‌توان از آن به عنوان موضوعی جدا از تحولات اجتماعی و تاریخی سخن گفت، آن را باید یک پروژه دانست و از آن‌جا که پدیده‌ای زمان‌مند است، می‌توان آن را یک پروسه خواند (خرمشاد، ۱۳۸۵). در تمدن چهار رکن و عنصر اساسی می‌توان تشخیص داد که عبارتند از: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر. ظهور تمدن هنگامی امکان‌پذیر است که هرج و مرج و ناامنی پایان پذیرفته باشد. چه فقط هنگام از بین رفتن ترس است که کنجکاو و احتیاج به ابداع و اختیار به کار می‌افتد و انسان خود را تسلیم غریزه‌ای می‌کند که او را به شکل طبیعی به راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی سوق می‌دهد... (دورانت، ۱۳۷۰). از بررسی اوضاع و احوال جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جزیره‌العرب پیش از بعثت پیامبر (ص) به روشنی پیداست که برخی از شرایط فوق‌الذکر یا به طور کلی در عربستان نمود نداشته یا به قدری ضعیف بود که امکان ایجاد تمدن در آن ممکن نبود. بر اساس تعاریف موجود از تمدن، کشوری متمدن است که از شاخصه‌های توسعه انسانی و فرهنگی در گذشته و حال برخوردار بوده باشد. از این رو ولاه‌اوس مؤلفه‌های تمدن را مقررات و قانون، دولت، خط، هنر، زبان، دین و دانش تعریف می‌کند (مهیمنی، ۱۳۷۹). مطالعه شیوه و عملکرد دولت‌ها و حکومت‌ها در گسترش یک دین یا مذهب و یا ایجاد و گسترش فرهنگ و تمدن، از اهمیت فراوانی برخوردار است و مطالعات کاربردی در این زمینه، می‌تواند روشنگر مسیر برای برنامه‌ریزی‌های کلان برای آینده باشد. در این تحقیق بر-آنیم با توجه به مباحث مطرح شده، نقش دو حکومت شیعی سربداران و مزیدیان را از سه جنبه گسترش علم، شعر و ادب و حمایت از شیعیان مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم تا با استفاده از این تحلیل‌ها بتوانیم جایگاه تمدنی که برای رسیدن به آن باید تلاش کرد را دریابیم و همچنین با خطرات و آفت‌های ممکن در طول مسیر تمدن‌سازی آشنا شده و نقش خویش را در ساختن آن بشناسیم و برای رسیدن به آن تمدن آرمانی بر مبنای اسلام تلاش کنیم. علاوه بر این با اشاره به برخی از اقدامات انجام شده پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، اشاره‌ای کوچک به این بخش تاثیرگذار در تمدن اسلامی خواهیم داشت.

فرضیه‌ی پژوهش

در این پژوهش، این فرضیه مورد بررسی قرار گرفته است که حکومت‌های شیعی مزیدیان و سربداران در گسترش تمدن اسلامی با توجه به مباحث علمی، ادبی و حمایت از شیعیان نقش بسیار مهمی داشته‌اند.

پیشینه پژوهش

در باب تحقیق در مورد نقش حکومت‌های شیعی به صورت کلی در یک پژوهش کاری انجام نگرفته است. یعقوب آژند در کتابی تحت عنوان "قیام سربداران" به بررسی حکومت سربداران و اقداماتی که آن‌ها برای گسترش تمدن شیعی انجام داده‌اند پرداخته است (آژند، ۱۳۶۵). اما در مورد حکومت مزیدیان نوشته‌های پراکنده‌ای در مورد شاعران و اندیشمندان این حکومت نوشته شده است. از جمله این کتب می‌توان به دیوان مهیار بن مرزویه دیلمی اشاره نمود که شامل اشعار این شاعر می‌باشد (دیلمی، ۱۴۱۳).

محدوده پژوهش

محدوده پژوهش مورد نظر به نقش دو حکومت شیعی سربداران در سه حوزه ادبی، علمی و نقش این حکومت‌ها در حمایت از شیعیان می‌باشد.

روش تحقیق

این پژوهش با رهیافتی توصیفی-تحلیلی، از روش کتابخانه‌ای و استنادی بهره می‌برد. بدین ترتیب که ابتدا منابع پیرامون این حکومت‌ها مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و در ادامه با این رویکرد به تحلیل و واکاوی نقش آنان در حوزه‌های ذکر شده پرداخته می‌شود.

ادبیات تحقیق

در تعاریف مختلفی که از تمدن وجود دارد نظریه‌پردازان عناصر متنوعی برای تمدن برشمرده‌اند که می‌توان وجه مشترکی در میان آنها یافت. ابن‌خلدون که یکی از قدیمی‌ترین نظریه‌پردازان مسلمان در حوزه تمدن است مؤلفه‌های این پدیده را جمعیت، ثروت، کار، صنعت، دانش و هنر، جغرافیا، شهرنشینی، دین و عصبیت می‌داند (آدمی، ۱۳۸۷). در میان اندیشمندان اسلامی کسانی چون مالک‌بن‌نبی و ابونصر فارابی نیز در مورد تحولات جوامع مطالبی را مطرح کرده و نوشته‌اند. ابن‌نبی مراحل سه‌گانه تمدن اسلامی را این‌گونه مطرح کرده است: (۱) مرحله روح (۲) مرحله عقل (۳) مرحله غرور. او معتقد است مرحله تسلط غریزه در تمدن اسلامی از قرن هشتم هجری به بعد آغاز می‌شود (مهندی، ۱۳۶۹). محمدتقی جعفری در تعریف تمدن می‌نویسد: تمدن عبارت است از برقراری آن نظم و هماهنگی در روابط انسان‌های یک جامعه که تصادم‌ها و تزاخم‌های ویرانگر را منتفی ساخته و مسابقه در مسیر رشد و کمال را قائم‌مقام آن‌ها بنماید، به طوری که زندگی اجتماعی افراد و گروه‌های آن جامعه موجب بروز و به فعلیت رسیدن استعدادها سازنده آن باشد (جعفری، ۱۳۷۳). اسپنسر کوشید با استناد به داده‌های تاریخی نشان دهد جوامع بشری در خط مستقیمی پیش می‌روند و پس از گذر از مراحل ابتدایی و متوسط، به مرحله پیشرفته می‌رسند. در مرحله ابتدایی، زور و تنازع بقا حاکم است؛ در حالی که در مرحله نهایی، انسان به صنعت و ابزار دست می‌یابد. در اندیشه کارل مارکس نیز سیر تاریخ بر بنیاد اقتصادی در روندی تکاملی به سوی جامعه‌ای آرمانی پیش می‌رود. تاریخ از مراحل مختلف برده‌داری، فئودالیسم، سرمایه‌داری و سوسیالیسم می‌گذرد و به جامعه بی‌طبقه سوسیالیستی می‌رسد. محرک این حرکت نبرد طبقاتی در راستای تصاحب ابزار تولید است. آگوست کنت نیز با تحلیل تکاملی از تاریخ تمدن‌ها دوره اثباتی را مرحله برتری از تفکر و سازمان اجتماعی می‌داند (روشه، ۱۳۸۱). معتقدان به دیدگاه نظریات دورانی تاریخ را قابل تکرار می‌دانند و بر این عقیده‌اند که تحولات حالت دوری^۱ دارند یعنی تمدن یا جامعه‌ای که متولد می‌شود، دوران رشد و نمو را می‌گذراند و سپس به پیری و فرتوتی می‌رسد و از بین می‌رود. امام خمینی (ره) واژه فرهنگ و تمدن را متمایز و آن‌ها را جداگانه به کار می‌برد که نشان می‌دهد معنای متفاوتی از این دو مفهوم مد نظر داشته‌اند: «فرهنگ یک ملت در رأس تمدن واقع شده، فرهنگ باید یک فرهنگی باشد، موافق با تمدن» (امام خمینی (ره)، صحیفه امام، ج ۴، ص ۲۷۰). اندیشمندانی نیز به نظریه انحطاط معتقدند که بر اساس آن جوامع بشری را دارای یک سیر قهقرایی دانسته‌اند که هر چه جوامع از سعادت و کمال خود دور می‌شوند، به سوی فساد و نابودی گام برمی‌دارند.

الف) گسترش علم

یکی از مواردی که برای گسترش هر تمدن لازم است توجه به علم و دانش و مورد حمایت قرار دادن افراد دانشمند است چرا که با ایجاد فرصت برای این افراد امکان رشد و بالندگی در جهت اهداف تمدن‌سازی فراهم می‌شود. حکومت **سربداران** که حاصل جنبش و حرکت مردم شیعه دوازده امامی بود، لازم می‌دید برای اجرای اصول شریعت، به علمای شیعی ائنا عشری توجه کرده و تا حد امکان بر اساس آراء و نظرات شرعی آن‌ها عمل کند (میرخواند، ۱۳۸۰). سربداران برای جبران کمبود عالمان و متفکران دینی، برخی از عالمان بزرگ شیعه را که در خارج از ایران می‌زیستند، به سبزووار فراخواندند و باب مکاتبه و گفتگو با مراکز مهم شیعه، از جمله حلب و جبل‌العامل در لبنان را گشودند. (خضری، ۱۳۹۱)

أبوسعید یا ابوعلی‌الحسن بن‌الحسین السبزواری البیهقی که خود را در برخی از تألیفاتش حسن شیعی معرفی نموده (امین، اعیان الشیعه، ج ۵، ص ۵۱)، در سایه حمایت امیران سربدار **رساله راحه الأرواح و مونس الأشباح** را نگاشت (خضری، ۱۳۹۱).

وی که عالمی فاضل، متکلمی عارف و فقیه‌ی واعظ بوده، در عصر سربداران و شهید اول^۱ می‌زیسته است. (امین، ۱۴۰۶ق). وی کتاب *راحه الأرواح* را که شرح زندگانی و احوال نبی مکرم اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) است را به درخواست یحیی کرابی، حاکم سربداری نوشته و به او تقدیم نموده است. (همان). از موارد ذکر شده می‌توان دریافت که سربداران برای علم جایگاه ویژه‌ای در نظر داشتند و به این درک دست یافته بودند که برای تمدن‌سازی نیازمند پشتوانه علمی قوی و همچنین تولید علم و تحقیق و تبادل اندیشه با مراکز مهم شیعی هستند و در این راستا گام برداشتند.

با آن که حکومت مزیدیان در بسیاری جنبه‌ها از جمله دوره تاریخی و قلمرو فرمانروایی از حکومت‌ها و دولت‌های معاصرشان کوچک‌تر بود، اما نقش این خاندان در بالندگی و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی با رویکرد شیعی، بسیار مهم و در خور توجه محسوب می‌شود. آثار مهمی چون *جوهرالنضید* را در منطق، *کشف‌المراد* فی شرح *تجربیدالاعتقاد* را در کلام تألیف نمود که از همان زمان تاکنون به عنوان متون درسی در حوزه‌های علمیه شیعه مورد استفاده قرار می‌گیرند (نک: حرّ عاملی، ۱۳۸۵ - ق/ ۱۹۶۵م). به استناد موارد فوق می‌توان گفت که مزیدیان جایگاه علم را به درستی دریافته بودند و با توجه به اندیشمندان در این راستا گام برداشتند.

از مهم‌ترین اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران تحت رهبری و تدبیر امام راحل، ایده و برنامه نظری تمدن اسلامی ایرانی بود که احیای تمدن باشکوه را پی‌گیری می‌کرد. یکی از انگیزه‌های به رشته‌ی تحریر درآوردن کتاب *خدمات متقابل اسلام و ایران* توسط شهید مطهری در همین راستا قابل ژرف‌اندیشی و ارزیابی است. امروزه دانشگاه‌های کشورمان در عرصه‌های علمی و کاربردی به ویژه دانش‌های نو به افق‌های روشنی دست یافته‌اند که به هیچ روی قابل انکار نیست و اخبار این موفقیت‌ها گاه بی‌گاه به گوش می‌رسد. اینها همه از استعداد ایرانیان خبر می‌دهد و ما را به تحقق اهداف امیدوارتر می‌سازد. به روشنی می‌توان دید که ساختن یک تمدن با شکوه که از باد و باران گزند نیابد، کوششی عالمانه و مجاهدتی عظیم می‌طلبد؛ این کار گونه‌ای مهندسی فرهنگی و تمدنی می‌جوید. اگرچه تاکنون در ساحت نظری کارهای خوبی صورت گرفته و برخی مصوبات گواه اهتمام حاکمیت به این مهم است اما در ساحت عمل و اجرا هنوز راه درازی در پیش است. (عباسی مقدم، ۱۳۸۶)

(ب) شعر و ادب

شعر و ادب در طول تاریخ جایگاه بسیار مهمی داشته است و همگان به نقش آن در معرفی یک تمدن آگاهی دارند و بدین دلیل است که غربی‌ها همواره در تلاشند که با وابسته نشان دادن سایر نقاط جهان به ادبیات خویش سایرین را وام‌دار ادبیات خویش ساخته و نشان دهند که سایر ادبیات‌ها نقش حاشیه‌ای دارند و به نحوی وابسته به ادبیات غربی هستند. در این بخش به تاثیر دو حکومت بنی‌مزید و سربداران در گسترش شعر و ادب می‌پردازیم. از بررسی دوران امارت بنی‌مزید چنین برمی‌آید که شاعران برجسته همواره با آنان در ارتباط بوده و امیران مزیدی زمینه‌ی حضور آنان را در دربار خود فراهم می‌ساختند. از آن جمله مهیار دیلمی است که با *سناالدوله* در ارتباط بود (نک: مهیار بن مرزویه دیلمی، ۱۴۱۳). اوج فعالیت‌های علمی و فرهنگی این خاندان در دوره‌ی *سیف‌الدوله* بود. به رغم آن که دوران امارت وی با فراز و فرودهای سیاسی همراه شد، اما *سیف‌الدوله* با درایت و کاردانی از شرایط پیش آمده بهره گرفت و دست به اقدامات نظامی گسترده‌ای زد و قلمرو حکومت خود را به نحو چشمگیری گسترش داد و از این موضوع برای شکوفایی علمی دربارش بهره جست. بدین ترتیب دوران امارت ۲۲ ساله‌ی او، روزگار آزادی و شکوفایی ذوق و قریحه ادبی گردید و دوران شکوه و عظمت بنی‌مزید توسط او رقم خورد. *سیف‌الدوله* امکانات علمی و رفاهی لازم را برای رونق و توسعه علم و دانش مهیا ساخت. از آن جمله کتابخانه‌ای دایر کرد که حاوی هزاران جلد کتاب بود (ابن اثیر، ۱۴۰۲). همچنان که برخی دیگر از این شاعران چون سنبل، بندینجی و ابی‌المعالی هیتی، ارتباط

۱- شیخ شمس الدین محمد بن مکی بن احمد عاملی نبطی جزینی معروف به شهید اول (۷۸۶-۷۳۴هـ) مشهور به *افقه الفقهاء*، امام الاعظم از فقهای مشهور شیعه در قرن هشتم هجری قمری است. مهم‌ترین کتاب وی در فقه *لمعه دمشقیه* است که شروح متعددی بر آن نوشته شده است. شهید اول در نشست‌های اهل سنت و مراکز علمی آنان حضور می‌یافت. برخی عالمان دینی به وی اتهام ارتداد زده و طوماری را علیه وی امضا کردند و در دادگاهی علی‌رغم انکار و تکذیب از جانب وی، وی را به اعدام محکوم کردند.^{۱۲} شهید اول با وضع دلخراشی در روز پنجشنبه نهم جمادی‌الاولی سال ۷۸۶ هجری (۱۷ تیر ۷۶۳ شمسی) - در عهد سلطنت برقو - به فتوای قاضی برهان الدین مالکی و تأیید عباد بن جماعه شافعی در میدان قلعه دمشق با مشمشیر کشته شد. جسدش را به دار آویختند و تا عصر آن روز سنگباران کردند. سپس جسد را از دار پایین آورده و آتش زدند و خاکسترش را به باد دادند.

استواری با بنی‌مزید داشتند. سبسی از جمله شاعرانی بود که پیش از بنای شهر حله نزد سیف‌الدوله رفته و اشعارش را بر وی عرضه کرد (مصطفی‌جواد، ۱۹۷۹). سبسی پس از آن که از اکرام و انعام سیف‌الدوله برخوردار شد، در همانجا اقامت گزید (یعقوبی، ۱۹۵۱). سربداران نیز با هدف احیا و گسترش مذهب تشیع، شاعران شیعی را مورد حمایت قرار دادند. ابن‌یمین نمونه‌ای از شعرای شیعی مورد حمایت دولت سربداران است. ابن‌یمین، یگانه شاعر با مسلکی است که از روی عقیده و ایمان، قلم و هنر خود را در راه پیشرفت نهضت سربداران به کار انداخته و حاضر نشده که نیروی ذوق و قریحه خود را در راه مدیحه سرایی امرای فتودال به کار اندازد (راوندی، ۱۳۷۸). وی یکی از شاعرانی است که در غالب قطعه، نمونه‌های دلپذیری خلق کرده است. این قطعه‌ها که بخش قابل توجهی از دیوان او را تشکیل می‌دهند، در موضوعاتی چون نصیحت، اندرز، مدح، دعا، حکمت و... سروده شده‌اند. البته در عین حال بخش عمده دیوان وی را قصاید و غزلیات و دیگر غالب‌های شعری شکل داده‌اند (میرجعفری، ۱۳۸۸). در جنگی که بین امیر مسعود وجه‌الدین (مسعود سربداری) و سلطان معزالدین حسین کرت (۷۴۲ق) در خواف روی داده و ابن‌یمین نیز آن هنگام در اردوی نظامیان بوده و جنگ به شکست سربداران منجر شده، نسخه نخستین این دیوان به دست غارتگران افتاده و از بین می‌رود. هر چند بعدها به تدریج دوباره این دیوان پرداخته و آنچه از اشعار سابق بر آن افزوده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق). صاحب بن عبّاد از مهم‌ترین قصیده‌پردازان دوران آل‌بویه است که پرداختن به این شاعر با توجه به نقش مهم ادبی او خالی از لطف نیست. گرایش اعتقادی و مذهبی شعر صاحب بن عبّاد، وضوح و اشتها خاصی دارد. در این میان، به ویژه قصیده مدحی او در ستایش امام رضا(ع) که در کتاب عیون اخبارالرضا نیز آمده است، به عقیده برخی به عنوان یکی از مهم‌ترین و معروف‌ترین شعرهایی است که در ستایش آن امام همام سروده شده است (محسنی‌نیا، ۱۳۸۲). با توجه به این می‌توان دریافت که بسیاری از شاعرانی که قصد مدح و ستایش امام رضا (ع) را داشته‌اند، در سرودن شعر خویش تا حدودی تحت تاثیر قصیده صاحب بن عبّاد قرار گرفته‌اند. با نگاه اجمالی به دیوان صاحب بن عبّاد می‌توان دریافت که اشعار این شاعر دارای دو بخش است. بخش اول، مجموعه اشعار مذهبی و اعتقادی صاحب است که بخش مهمی از دیوان او را در بر گرفته است. صاحب بن عبّاد در این بخش شعر خود را وسیله‌ای برای بیان اعتقادات مذهبی و کلامی خود قرار داده و در قصاید گوناگونی به دفاع از مذهب عدل و توحید و اعتقادات شیعی خود می‌پردازد. اما در بخش دوم، همان شعری است که معمول همه شاعران می‌باشد و موضوعات مختلفی از قبیل، تغزل، مدح، وصف، غزل، حکمت و غیر آن را در بر می‌گیرد. از بررسی نقش دو حکومت سربداران و مزیدیان در گسترش ادبیات می‌توان دریافت با کمک شعر و ادبیات می‌توان اهداف فرهنگی را دنبال و به کمک آن اندیشه‌ها و دیدگاه‌های خویش را بیان و تاثیر مورد نظر را به صورت ادبی در خواننده ایجاد نمود، چرا که گاهی امکان بیان مطالب در قالب عادی دشوار است اما با کمک شعر و در قالب ادبی آن مفهوم را می‌توان به راحتی بیان و ذهن مخاطب را درگیر مسئله نمود. همان طور که اشاره شد این دو حکومت با توجه به شاعران و نویسندگان شیعی باعث شدند که آراء و نظرات شیعی به رشته‌ی تحریر درآمده و قابل استفاده برای اندیشمندان و سایر افراد تشنه‌ی معارف ناب اسلامی باشد.

ج) حمایت از شیعیان

با هجوم مغولان، سه قدرت برجسته جهان اسلام، یعنی قدرت خوارزمشاهان، قدرت خلفای عباسی و قدرت اسماعیلیان از هم فرو پاشید (آژند، ۱۳۶۳). هر چند ایرانیان از مدت‌ها قبل با حکومت متمرکز آشنایی داشتند و در واقع پایه‌های حکومتشان بر مبنای تمرکز بود، اما مغولان، به دلیل زندگی بیابانگردی و شبانی، عادت به کوچ کردن به ویژه به مناطق ییلاق و قشلاقی داشتند و به حکومت متمرکز علاقه‌ای نداشتند و با شیوه تقسیم مملکت به ایالات متعدد حکومت می‌کردند. نمایندگان ایلخان نیز در ایالات با عنوان «حاکم» و گاه «والی»، امور نظامی را خصوصا در مناطق خطرناک و مرزی عهده‌دار بودند (همان). این موضوع پس از مرگ ابوسعید و پس از پایان کار ایخانان مغول، نمود بیشتری پیدا کرد و هر کس از حکام ایلخانی در قلمرو حکومت خود کوس استقلال فرو کوفت (ابن بطوطه، ۱۴۱۷ق). ملک معزالدین حسین، بسیار نگران گسترش تشیع در خراسان و نفوذ آن در سرزمین‌های شرق خراسان بود. بنابراین برای تحریک احساسات مذهبی اهل سنت و شرکت آنها در جنگ، مانند سربداران، دست به تبلیغات مذهبی زد و علمای اهل سنت را در جنگ شرکت داد تا هر چه بیشتر سپاهیان خود را رغب

به جنگ سازد (آژند، ۱۳۶۵). نمونه دیگر این گونه جنگ های مذهبی، حمله ملک غیاث‌الدین پیرعلی که مذهب حنفی داشت و دارای تعصبات مذهبی بسیاری بود به نیشابور است. وی تحت تأثیر ائمه نظامیه هرات که فتوا می‌دادند دفع شیعه واجب است، لشکر کشیده و به نیشابور رفت. خواجه علی مؤید نیز مردان نامدار و دلیران کارزار را از سبزوار به نیشابور فرستاد و در محافظت و استحکام شهر تلاش بسیاری نمود. درگیری‌های میان هر دو گروه به کوچه‌های نیشابور کشیده شد و اوضاع بر مردم شهر بسیار سخت گردید. هر چند مردم نیشابور سنی مذهب بودند، اما چون حکومت، مذهب تشیع را تقویت می‌کرد سنی‌مذهبان نیشابور نیز بر پایه «الناس علی دین الملوک» خود را بر تشیع می‌داشتند. بنابراین، با همکاری مردم، دروازه‌ها بر سپاهیان ملک غیاث‌الدین پیرعلی بسته و طرفین به جنگ در پشت دیوارهای شهر مشغول شدند و مدت محاصره در شهر به درازا کشید و نواب ملک غیاث‌الدین مصلحت دیدند که به هرات بازگردند و سال بعد بیابند (زمچی اسفرازی، ۱۳۸۸). پس باز-گشتند و سال دیگر در اوایل فصل بهار که ملک غیاث‌الدین با لشکر جرار قصد حمله به نیشابور کرد، خواجه علی مؤید جمعی را برای یاری وصیانت بدانجا فرستاد. زمانی که ملک غیاث‌الدین به نزدیکی دروازه‌های نیشابور رسید، مردم از شهر بیرون آمده و بر هرویان حمله بردند. تعداد بسیاری از طرفین کشته و زخمی گشته و سرانجام نیشابوریان به داخل دیوار و باروی شهر پناه بردند و تا چهل روز وضعیت چنان بود که هیچ پیروزی برای لشکر ملک غیاث‌الدین میسر نمی‌شد. بنابراین دوباره به هرات بازگشتند. (همان)

بی‌شک افراد خاندان مزیدی بر مذهب تشیع امامی بودند. هر چند منابع ما درباره چگونگی گرایش نخستین رهبران این خاندان به این مذهب ساکت‌اند و به درستی روشن نیست که آیا آنان از آغاز بر مذهب امامی بوده‌اند یا در دوره‌های بعد و تحت تأثیر بویه‌یان (آل بویه) و عالمان شیعی بدان مذهب گرایش یافته‌اند. با این همه، این امر روشن است که مزیدیان شاخه‌ای از بنی‌اسد بن خزیمه بودند و نسبشان به اعراب مضر^۱ می‌رسید (هشام کلبی، ۱۴۰۷ق/۱۹۸۶م). سیاستهای خشونت‌آمیز و سخت‌گیرانه سلجوقیان در برابر شیعیان، نه تنها در عراق، بلکه در دیگر سرزمین‌های اسلامی نیز بدون هیچ ملاحظه‌ای ادامه یافت. به عنوان مثال، به فرمان خواجه نظام الملک طوسی، وزیر ملک‌شاه سلجوقی، عالمان و پیشوایان مذهبی امامیه را در «ری» وادار کردند تا با سرهای برهنه بر منبر روند و از باورها و کارهای پیشین خود بی‌زاری جویند. (عبدالجلیل رازی قزوینی، ۱۳۳۱) در چنین شرایط سختی، مزیدیان قلمرو خود را به ویژه حله را جایگاهی امن برای شیعیان قرار دادند.

نتیجه گیری

ساختن تمدنی که بتواند ابتدا به عنوان یک الگو در میان جوامع اسلامی و سپس به عنوان الگویی بین‌المللی بدرخشد و دل‌های مردم در اقصی نقاط جهان را به سمت خود مجذوب کند، آرزوی هر ملت و کشوری است ولی باید توجه داشت که این کاری آسان و سهل‌الوصول نیست بلکه بسیار مشکل است و درایت و هماهنگی و عزم و تلاش همگانی و جدی می‌طلبد. تشکیل هر تمدن، علی‌الخصوص تمدنی الگو، پویا و درخشنده نیازمند اقتصادی توانا و قدرتمند، فرهنگ و هنر فاخر و پُربار و همچنین رشد و توسعه علمی می‌باشد که تمامی موارد ذکر شده در سایه امنیت و آرامش امکان‌پذیر است و امنیت و آرامش حاصل نمی‌شود مگر با حاکمیت قانون و برقراری عدالت توسط حکومتی مقتدر که توانایی اداره امور و دفاع از ملت و سرزمین خود در برابر توطئه‌گران خارجی و برهم زندگان نظم داخلی را داشته باشد. البته باید توجه داشت که داشتن اقتدار و توانایی برخورد با توطئه داخلی و خارجی تنها چالش پیش روی حکومت نیست. ۱- بی‌عدالتی‌ها، نابرابری‌ها، ضعف‌ها و فسادهای اقتصادی، ۲- از دست دادن هویت اخلاقی و فرهنگی، خود باختگی و وابستگی فرهنگی، ۳- خمودگی و ایستایی و عدم رشد و پویایی علمی و صنعتی و همچنین ۴- اختلافات و نزاع‌های داخلی عواملی هستند که می‌توانند موجب زوال و انحطاط هر تمدنی شوند.

پیروی جوانان به عنوان نیروی فعال جامعه از الگوهای مبتذل خارجی اعم از شرقی و غربی و نبود آشنایی و آگاهی کافی آنان از الگوها و مشاهیر دینی و تاریخی ایرانی و اسلامی به عنوان آفت بزرگی گریبان‌گیر تمدن نوپای ایرانی اسلامی ما شده است. وابستگی فکری و فرهنگی و همزمان داعیه جلوداری تمدنی قابل جمع با یکدیگر نیستند. در این راستا نقش دولت و رسانه‌ها برای معرفی الگوها و اسوه‌های اسلامی و ایرانی به خصوص برای کودکان، نوجوانان و جوانان که اصلی‌ترین هدف‌های تهاجم

فرهنگی هستند، بسیار مهم است. مردم به خصوص جوانان و نوجوانان نیز باید با ترویج فرهنگ مطالعه و آگاهی و آگاهی- بخشی و تلاش برای تولید آثار هنری مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، به تقویت فرهنگ و آموزه‌های اصیل اسلامی و ایرانی خود بپردازند و فرهنگ و تمدنی بسازند که نه تنها از گزند تهاجم و شبیخون فرهنگی معاندان در امان بماند بلکه بتواند موجب گسترش این فرهنگ در جوامع و تمدن‌های دیگر شود که البته تمامی این امور حمایت و برنامه‌ریزی حکومت را می‌طلبد. برای داشتن کشوری قدرتمند در عصر حاضر باید همگی با تکیه بر تمام داشته‌های تاریخی خود، تحولی نوآورانه را رقم بزنیم که محتوای فرهنگی دوطرفه‌ی تمدن ملی ما یعنی اسلامیت و ایرانیت را به انسجام و یکپارچگی برساند. تنها بدین طریق می‌توان بر جریان یکسان‌سازی غربی پیروز شد.

ارج نهادن و ارزشمند دانستن تلاش و کار اندیشمندان و صنعتگران و حمایت از آنان در هر جامعه موجب تعالی و رشد علمی و صنعتی می‌شود و در عوض بی‌تفاوتی و محترم‌نمشمردن و طرد کردن اندیشمندان و فضلا و صنعتگران باعث ناامیدی و بی‌انگیزه شدن نسبت به کار و تلاش و پیشرفت می‌شود. برای داشتن تمدنی پیشرفته و مجذوب کننده حکومت وظیفه دارد به حمایت از دانشمندان و محققان و پژوهشگران و صنعتگران برخیزد و موجب تقویت حس خودباوری و روحیه کار جمعی و همگانی در آنان شود.

تفرقه و اختلاف و نزاع داخلی عواملی هستند که به راحتی می‌توانند باعث سقوط هر تمدنی شوند. به خصوص در تمدن اسلامی که دشمنان و معاندان همیشه درصدد اختلاف افکنی میان مسلمانان و بهره‌برداری از این اختلافات بوده‌اند. پس شیعیان و اهل سنت باید اختلافات بیهوده را کنار بگذارند و بر اتحاد و برادری در میان خود بیفزایند. اگرچه در طول تاریخ همواره افرادی بوده‌اند که با تحریک احساسات مذهبی موجب جنگ و خونریزی میان مذاهب مختلف مسلمانان و اقوام مختلف شده‌اند ولی در عین حال در تاریخ نمونه‌هایی مثل مقاومت مردم سنی مذهب نیشابور به همراه حاکمان شیعه خود در برابر حمله افراطی‌های فریب خورده به رهبری ملک غیاث‌الدین پیرعلی کم نیستند که البته علت این دفاع جانانه مردم نیشابور را می‌توان در مردم‌داری حاکم سربداری خواجه علی مؤید جست. امام خمینی (ره) تفرقه میان امت‌های اسلامی را عامل انحطاط و سقوط تمدن اسلامی برشمرده و معتقدند استعمارگران دو نوع تفرقه در میان جوامع اسلامی پدید آوردند، یکی تفرقه مذهبی میان شیعه و سنی، و دیگری تفرقه ملی، میان قبایل و طوایف داخلی ایران. « دیدند که این سیطره، با این وحدت دول اسلامی نمی‌شود تحمیل کرد چیزهایی که نمی‌خواهند. نمی‌شود ذخایر اینها، طلای سیاه اینها را، طلای زرد اینها را نمی‌شود قبضه کرد. درصدد چاره برآمدند. چاره این بود که در بین ممالک اسلامی تفرقه بیندازند (صحیفه‌ی امام، ۱۳۸۷)».

مزیدیان به رغم محدودیت قلمرو، مشکلات سیاسی، تنگناهای مالی و دشمنی خاندان‌های رقیب، نقشی مهم و ستودنی در بالندگی و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی خاصه در سه بخش ادبی، فقهی و علمی ایفاء نمودند، همچنان که با پشتیبانی از عالمان شیعی و تأسیس حوزه علمیه حله موجبات گسترش چشمگیر تشیع را فراهم ساختند که در این مقاله به تفصیل و با ذکر شواهد مورد بررسی قرار گرفت. اگرچه سربداران در رفتار و عملکرد حکمرانان دارای نقاط منفی و زشتی همچون رقابت- های سیاسی نیز هستند که در تضعیف و از هم پاشیدگی حکومت و انقلاب شیعی سربداران بی‌تأثیر نبود، اما با بررسی مجموع عملکرد و سیاست‌های این دولت شیعی می‌توان دریافت که نقش بسزایی در گسترش مذهب تشیع در ایران، به ویژه خراسان و سرزمین‌های مجاور داشته است. البته برخی از عواملی که در گسترش تشیع بر شمرده‌اند، در گسترش فرهنگ و تمدن نیز تأثیرگذار بوده است، مانند توجه و عنایت ویژه به طبقه علماء، دانشمندان و فرهیختگان جامعه.

منابع و مأخذ

۱. آدمی ابرقویی، علی، درآمدی بر دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی؛ بایسته‌های نظری، مقدمه دکتر محمدباقر خرمشاد، تهران، انتشارات دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷.
۲. آژند، یعقوب، سربداران سمرقند، کیهان فرهنگی، ش ۸، آبان ۱۳۶۳، ص ۲۷-۲۵.
۳. -----، قیام سربداران، تهران، امیرکبیر (کتاب‌های شکوفه)، ج ۱، ۱۳۶۵.
۴. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف‌الشیعه، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.

۵. ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، بیروت: دار بیروت، ۱۴۰۲ق.
۶. ابن بطوطه، شمس الدین (۷۷۹ق)، رحلة ابن بطوطه، (تحفة النظار فی غرائب الأمصار و اجائب الأسفار)، ج ۵، الرباط، اکادمیه المملکة المغربیه، ۱۴۱۷ق.
۷. امام خمینی(ره)، سید روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷.
۸. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.
۹. جعفری، محمد تقی، فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
۱۰. حرّعاملی، محمد بن حسن، أمل الآمل، تحقیق احمد حسین، بغداد [بی نا]، ۱۳۸۵ق / ۱۹۶۵م.
۱۱. خرمشاد، محمدباقر، دانشگاه تمدن ساز؛ سند اهداف و راهبردهای معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، چاپ دوم، تهران: دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵.
۱۲. خضری، سید احمد رضا، تشیع در تاریخ، قم، دفتر نشر معارف، ج ۱، ۱۳۹۱.
۱۳. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، مترجمان حمید عنایت و دیگران، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
۱۴. دیلمی، مهیار بن مرزویه، دیوان مهیار دیلمی، قم: مشورات شریف رضی، ۱۴۱۳ق.
۱۵. ذاکر صالحی، غلامرضا، دانشگاه ایرانی، تهران، انتشارات کویر، ۱۳۸۴.
۱۶. رازی قزوینی، عبدالجلیل، بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضاء الروافض، به کوشش سید جلال الدین ارموی، تهران: [بی نا]، ۱۳۳۱.
۱۷. راوندی، مرتضی (۱۳۸۷)، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۱۲، تهران، انتشارات نگامه ج ۲، ۱۳۸۲.
۱۸. روشه، گی، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، ویرایش دوم، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
۱۹. زمچی اسفزاری، معین الدین محمد (۸۸۹ق)، روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات، محقق و مصحح؛ سید محمد کاظم امام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
۲۰. عباسی مقدم، مصطفی، سند اهداف و برنامه های معاونت فرهنگی اجتماعی وزارت علوم تحقیقات فناوری، تهران، معاونت فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۶.
۲۱. کلبی، هشام، جمهره النسب، تحقیق ناجی حسن، بیروت، [بی نا]، ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۶م.
۲۲. محسنی نیا، ناصر (۱۳۸۲)، "بررسی شکلی و محتوایی دیوان صاحب بن عباد"، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، شماره ۱۳، صص ۱۴۵-۱۸۵.
۲۳. مصطفی جواد، فی التراث العربی، تحقیق محمدجلیل شلمش و عبدالحمید العلوجی، ج ۲، عراق: دارالرشید للنشر، ۱۹۷۹، ص ۱۷۱.
۲۴. مهتدی، محمدعلی، دانشنامه جهان اسلام، ج ۴، ذیل ابن نبی، مالک، زیر نظر احمد طاهری عراقی و دیگران، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۶۹.
۲۵. مهیمنی، محمدعلی، گفت و گوی فرهنگها و تمدن ها، تهران، نشر ثالث، ۱۳۷۹.
۲۶. میرجعفری، سید اکبر، "ابن یمین شاعر سربداران"، رشد معلم، ش ۲۴۵، دی ۱۳۸۸، ص ۲۴-۲۵.
۲۷. میر خواند، محمد بن خاوندشاه بن محمود (۹۰۳ق)، تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیا والملوک والخلفاء، تصحیح جمشید کیانفر، تهران، انتشارات اساطیر، ج ۱، ۱۳۸۰.
۲۸. یعقوبی، محمدعلی، بابلیات، قم: دارالبیان، ۱۹۵۱م.